

مقدمه‌ای بر جغرافیای فکری فرهنگی بسیج

عباد- عبیدی

چکیده

فکر و فرهنگ در جامعه از عناصر اصلی سازنده رفتار اجتماعی به شمار می‌روند، برای هدایت رفتار اجتماعی افراد جامعه باید با برنامه‌های مناسب، در حوزه‌هایی که تأثیر گذارند فعالیت دراز مدت داشت. انقلاب اسلامی به عنوان پدیده‌ای نو در جهان جدید که بسیج مردمی موتور محرکه آن است، همواره نیازمند رفتار اجتماعی خاصی از سوی مردم است. رفتاری که دارای ارزشهایی چون مهرورزی با دوستان، دشمن‌ستیزی، دیگرخواهی، آمادگی دفاعی، دشمن‌شناسی، کاردوستی، ابتکار، خلاقیت، نوآوری، خستگی ناپذیری و... باشد.

رفتار اجتماعی با این ویژگیها بر آیند فعالیتهای فکری فرهنگی بلند مدت و عمیق در نظام و نهادهای مختلف و مؤثر در جامعه است. نظام و نهادهایی که هر کدام به صورت مستقل و به عنوان یک حلقه از سیستمهای اجتماعی دارای نقشهای متقابل می‌باشند، که بسیج به عنوان پاسدار انقلاب و ارزشهای به دست آمده از آن، نیازمند برنامه و حضور در این نظام و نهادهاست، تا بتواند در هدایت رفتار اجتماعی آنگونه که انقلاب نیازمند است، مؤثر واقع شود.

برای پی بردن به شناخت واقعی از جغرافیای فکری فرهنگی که بایسته و شایسته است و بسیج در آن حضور علمی عمیق و با چشم انداز داشته باشد، یکی از راههای مهم و اساسی، شناخت مبادی مؤثر در ذهن، فکر، اندیشه و استعداد آحاد جامعه است.

کلیدواژه‌ها: نظام و نهاد، فکر و فرهنگ، جغرافیای فرهنگی، اجتماع، رفتار، مهندسی، مذهب، ملیت و رسانه

مقدمه

منظور از این عنوان برای مطلبی که پیش‌رو دارید، حوزه‌هایی است که بسیج به طور کلان باید به شکلی دراز مدت، عمیق، هدف‌مند و مستمر در آنها حضور و فعالیت داشته باشد.

ابتدا شاید بهتر باشد قدری هرچند موجز به موضوع «جغرافیای فرهنگی» پردازیم تا در نین کلی بحث روشنگری لازم شکل گرفته باشد، اگرچه این مطلب، با چرخشی که در حوزه‌های مختلف زندگی دارد خود بیان‌گر هویت جغرافیایی آن است، اما برای شفافیت بیشتر به مواردی که مرتبط با مقوله مورد نظر است اشاره می‌شود. «ظهور جغرافیای سیاسی به صورت یک شاخه منسجم جغرافیای انسانی، از پدیده‌های قرن بیستم است» (میر حیدر، ۱۳۸۵، ص ۳). در قرن بیستم که دانش بشری با تقسیم‌بندیهای مختلف به رشته‌های گوناگون و حتی به شاخه‌های بین رشته‌ای نیز تقسیم شد، عوامل متعددی دخالت داشت، نحله‌های متنوع فکری در حوزه‌های گوناگون زندگی ضمن مطالعات پیچیده، به پردازش ایده‌های جدیدی دست زدند؛ وقتی که «مکتبهای محیط‌گرایی، امکان‌گرایی و مشابه آنها، پاسخگوی مسائل مربوط به فضای حیاتی جامعه، در مفهوم کلی خود نبودند، اواخر قرن نوزدهم «دورکهایم» کوشش کرد کل فرهنگ مادی و بازتاب آن را در مفهوم چشم‌انداز جای دهد. وی با درک روابط اجتماعی از دو قطب یا دسته عوامل «محیط اجتماعی بیرونی» و «محیط اجتماعی درونی»، پی به واقعتهای رفتاری برد و به بررسی معیارهای اجتماعی، تعلیم و تربیت رفتاری، قانون و مذهب در این زمینه پرداخت. «زیرساخت» یا «شالوده» جوامع از نظر دورکهایم را می‌توان از چگونگی نظم، نحوه پراکندگی جمعیت، شبکه ارتباطات و راهها به مفهوم دست‌رسها، شکل و ریخت

مساکن و سکونت‌گاههای انسانی، دریافت کرد. به این ترتیب وی با به‌کارگیری اصطلاح «زیر ساخت»، شاخه جدیدی از جامعه‌شناسی را با عنوان «موفولوژی اجتماع» بنیان گذاشت، که همان «چشم‌انداز فرهنگی» در مفهوم جغرافیایی آن است (پور احمد، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷). پس از این دوره، شاهد شکل‌گیری ایده‌های جدیدی در جامعه علمی هستیم که معروف به «پست‌مدرن» یا «پسامدرن» هستند، «پست مدرنیسم» ابتدا به صورت یک جنبش مخالف در نظریه‌های معماری و ادبیات مطرح شد و بعد به سایر شاخه‌های علمی تأثیر گذاشت. در جغرافیا چالشهای مربوط به پست مدرنیسم از دهه ۱۹۸۰ شروع می‌شود. در سال ۱۹۸۴ «فردریک جمسون» و در ۱۹۸۹ «ادوارد سوچا» با اثر معروف خود به نام جغرافیای پست‌مدرن، مسیر جدیدی را برای بازنمایی نقشه‌های ادراکی و شناختی از شهر مطرح کرد. در همین سال «درک گریگوری» مقاله خود را با عنوان «افتراق مکانی و جغرافیای انسانی پست‌مدرن» منتشر کرد. او در آثارش، بهره‌گیری همزمان و هماهنگ اقتصاد سیاسی، نظریه‌های اجتماعی و مطالعات فرهنگی را پست‌مدرنیزه کردن جغرافیا می‌داند.

پست‌مدرنیسم به مفاهیمی تأکید می‌کند که برپایه ناحیه‌گرایی، شرایط محلی، بازگشت به سنتهای خویش، کثرت‌گرایی، مردم‌گرایی و مردم‌سالاری و در نهایت پس‌اساخت‌گرایی قوام می‌یابد. در جغرافیای پست‌مدرن، تحلیل اصول اخلاقی و جغرافیای اخلاقی وارد ادبیات جغرافیایی شده، و این سؤال مطرح می‌شود که احساس و ادراکهای مختلف، چگونه در مکانهای متفاوت عمل می‌کند؟ و چرا این احساس و ادراک در سایر مکانها قابل پذیرش و عمل نیست؟ در جغرافیای اخلاقی، روح ملتها، مذاهب، باورها، خورده فرهنگها و حتی خرافات که عمل کرد آنها بر رفتار فضایی انسان تأثیر دارد، مطالعه می‌شوند (پوراحمد، ص ۶۵-۶۷). جغرافی دانان

پی به این مهم برده‌اند که زمین و عرصه‌های مختلف آن در زندگی انسان معنا می‌شود، پس جغرافیای انسانی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای شهری، جغرافیای روستایی، جغرافیای عشایری، جغرافیای اعتقادی، جغرافیای فرهنگی و ... موضوعاتی هستند که خود رشته بوده، یا به عنوان تخصصهای بین رشته‌ای مورد مطالعه علمی و آموزش قرار می‌گیرند. بسیج برای اینکه در افکار عمومی کشور، ملت‌های مسلمان و آزادگان جهان باید همواره پویا و شکوفا باشد، در حوزه‌های مهمی چون فرهنگ، هنر، علم، رسانه و ورزش باید با حرکتی هماهنگ و دارای چشم‌انداز بلند، بهترین نقشها را ایفا کند.

شاید برخی این باور را حداقل در عمل پذیرا نباشند، چرا که عرصه گفتار و برنامه، عرصه‌ای آسان، ارزان و فراخی است، اما عمل، عرصه‌ای است که هزینه می‌طلبد، انرژی فکری، روحی و جسمی می‌خواهد، پای کار بودن، افکار و ایده‌ها را جمع و جور کردن و از میان آنها برترین راهها را انتخاب و اجرایی کردن و پذیرش «مسئولیت عمل» در میدان می‌خواهد. و سرانجام آستین بالا زدن و در میدان ایستادن و دوش زیر بار بردن می‌خواهد، که البته اهل آن هم کم نیستند، اما این نوشتار بر آن است، تا با تأکید بر ترسیم جغرافیایی که می‌تواند بار بلند مدت اهداف و برنامه‌ها را بردوش کشد، گامی برای تنویر اذهان عمومی و تذکر به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مسئولان بر داشته باشد.

فرهنگ

فرهنگ از واژه‌هایی است که برای رسیدن به معنای آن باید از رودخانه‌های متعددی عبور کرد، آنگاه نیز با ذهنی پویا، باید به درک معنا از مفاهیم و توضیحات

فراوان پرداخت، پس فرهنگ می‌تواند در درکهای مختلف، معانی متعددی داشته باشد.

اما در این نوشتار «فرهنگ»، گرد «پرورش اندیشه و استعداد» می‌چرخد، به عبارت دیگر از مجموعه فعالیت‌هایی است، که منجر به پرورش اندیشه و استعداد انسانها می‌شود.

البته اگر بخواهیم معادل ساده آن را در ادبیات دینی و ایرانی خود بیابیم و عرضه کنیم باید گفت، مجموعه فعالیت‌هایی که با دادن آگاهیهای مطلوب و مفید در شناخت انسان مؤثر هستند و آن را به سطحی از تشخیص می‌رساند که بتواند در برهه‌های حساس، خطرناک، پیچیده و غامض زندگی، راه صحیح و معتدل را انتخاب و در آن حرکت نمایند.

به زبان دینی، یعنی بلوغ، با این توضیح، فعالیت‌های پرورشی در حوزه فکر، اندیشه و استعداد که سبب بلوغ فکری بشر می‌شوند را فعالیت‌های فرهنگی می‌نامیم.

با مختصر شرح ارائه شده درباره فرهنگ در این نوشتار، شاید به ذهن متبادر شود که این معنا به نوعی همان تبلیغ است! اگر چه نمی‌توان آن را رد کرد، اما باید به شرحی مجمل درباره آن پرداخت؛ ما امروزه گرفتار یک خلط مفهومی در خصوص واژگان هستیم، تبلیغ در جایگاه واقعی خود دارای معنا و مفهوم مشخص و تعریفی روشن است، اما حوزه علوم اجتماعی که با در هم آمیزی ادبیات وارداتی غرب - پیش از آنکه پالایش لازم صورت گیرد - به ایجاد جریانی شبه ادبیات عمومی دست زده است، و در این حوزه کار را برای به کار بردن واژه‌ها به شدت سخت و پیچیده کرده است، وقتی به فعالیتی توأم با راست و دروغ، غلو و اغواگری که می‌خواهد یک کالایی را به مردم حُفنه کند، تبلیغ می‌گویند. چطور می‌توان به فعلی که توأم با

شناخت، معرفت، ایثار، گذشت، تلاش حقیقی و ... برای افزایش درک و فهم عمومی یا عده‌ای (جمعی) شکل می‌گیرد نیز تبلیغ گفت؟! به هر ترتیب اگر چه لازم است مسئولان بسیج برای واژه فرهنگ تعریف مورد نظر خود را مشخص نمایند اما این نوشتار بیشتر منظورش همان پرور اندیشه، افکار، استعداد و توانایی‌های شناختی انسانها می‌باشد که تبلیغ در جایگاه حقیقی خود نیز چنین معنایی دارد.

جغرافیای فکری فرهنگی بسیج

برای پی بردن به شناخت واقعی از جغرافیای فکری فرهنگی که بایسته و شایسته است، بسیج در آن حضور علمی عمیق و با چشم‌انداز داشته باشد، یکی از راههای مهم و اساسی، شناخت مبادی مؤثر در ذهن، فکر، اندیشه و استعداد آحاد جامعه است.

به عبارتی روانتر این که، چه پدیده یا ابزاری در شرایط کنونی، بر فکر، ذهن، اندیشه، استعداد و رفتار انسانها اثر می‌گذارد.

از زاویه دیگر، انسان امروز نیازهای فکری، ذهنی و اندیشه‌ای خود را، که در نتیجه رفتار اجتماعی او را شکل می‌دهد معمولاً از چه طریق و با چه وسایل و شیوه‌هایی دریافت می‌کند.

«نهاده خانواده»، نظام آموزش و تربیت (مدرسه، دانشگاه و حوزه)، نظام معنویت (مسجدها، هیئتها و ...)، نظام ارتباطات اجتماعی (رادیو، تلویزیون، مطبوعات، کتاب، سینما و سامانه‌های چند سویه در فضای مجازی)، نظام سازمان و سیستمهای مختلف اجتماعی (مانند انجمنها، اداره‌ها، سازمانها، تیمهای مختلف ورزشی، کانونهای گوناگون محلی و غیرمحلی و...) و روابط عام اجتماعی.

از نگاه دیگر همین انسان نیازهای فکری، ذهنی و اندیشه‌ای خود را از چه راههایی دریافت می‌کند؟ یا به عبارت ساده‌تر چه جریانهایی در جامعه، پاسخگوی نیازهای فکری، ذهنی و اندیشه‌ای انسانها می‌باشند؟

آیینهای دینی، مذهبی در بعد اعتقادات؛ آیینهای فرهنگی و سستی در حوزه ملیت، تاریخ و فرهنگ ملی، بومی و قومی، شعر، قصه و داستان در بعد احساس و عواطف (سریال و فیلم، مردم ما نیز با این بعد بی‌ارتباط نیست، فیلم و سریال نیز خود نوعی داستان‌گویی است)؛ جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی و ارتباطات اجتماعی در بعد سیاسی؛ و اقتصاد از بعد معیشت و تأمین نیازهای اساسی زندگی.

حرکت یا نگاه از این منظر نیز منتهی می‌شود به پایگاههایی چون خانواده، مدرسه و دانشگاه، مراکز و اماکن مذهبی و آیینی، نظام رسانه‌ای، یا وسایل ارتباط جمعی، ساختارها و سیستمهای سازمانی (اداری، خدماتی، تولیدی، فرهنگی، هنری و...) و تردهای طبیعی و روزمره در مراکز مختلف جامعه.

مجموعه این دریافتها از نظامهای یادشده که هر کدام دارای ویژگیهای خاص خود است، بینش اجتماعی یک فرد را تشکیل می‌دهد.

برداشت یا دریافت آحاد جامعه از مبادی یاد شده مسلماً یکسان نیست، این عدم یکسانی هم به نارسایی فرستنده یا منبع پیامها مرتبط است، و هم به انتخاب و گزینش افراد، و هم به مسیرهای برقراری ارتباط (کانالهای انتقال پیام) که عنصری به نام «مخدوش کننده» (پارازیت) آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نکته حایز اهمیت در این جا چند مورد است:

۱- فرستنده یا فرستندگان پیام، در صورتی موفق خواهند بود که امکان دسترسی مخاطب به پیامهایشان را هر چقدر می‌توانند آسان و در مدت زمان کمتری صورت

خانواده باید پیش از شکل‌گیری و پس از تشکیل جزو اهداف مهم و برنامه‌های فرهنگی بسیج باشد.

خانواده اگر با این نگاه در کانون توجه برنامه و حرکت‌های فکری فرهنگی بسیج قرار گیرد، یقیناً استحکام و انسجام و وفاق اجتماعی بیش از پیش تقویت خواهد شد. «...مطابق نص صریح قرآن، این حکم الهی که می‌خوانیم از جهان علوی به جهان سفلی رانده شده‌ایم (وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُتَقَرُّوْ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ) یعنی به زمین فرو روید، بهشت جای شما نیست، چون با همدیگر دشمن هستید. نافرمانی را نمی‌گویید، گول خوردن از شیطان را نمی‌گویید، می‌فرماید چون با همدیگر دشمنی کردید بهشت جای شما نیست، پایین بروید؛ این زندان را باید موقتی بدانید نه زندان دایم. زندان دایم از محشر به بعد خواهد بود. اینجا نمونه‌ای از بهشت که خوشیها باشد کار گذاشته شده. همین طور نمونه‌ای از جهنم که ناخوشیها و غم و غصه‌ها باشد هم کار گذاشته شده است؛ اما این نکته را هم باید در نظر داشته باشیم، که چون با هم دشمن بودیم از بهشت رانده شدیم. مفهومی این است که بشر تا وقتی که بغض و کینه و عداوت در قلبهای خود دارد، هیچ وقت این جهنم دست بردار ما نیست، و تا موقعی که مهر و صفا در قلوب بشر حکومت نکند، زندگی برای بشر، بهشت نخواهد شد.

این نکته از نکات عظیم قرآن را همیشه در نظر داشته باشیم، که ما از بهشت رانده شدیم؛ نه به خاطر نافرمانی از خدا، برای این که با هم دشمن بودیم. خدا به ما احتیاج ندارد؛ اما ما به همدیگر احتیاج داریم. خداوند هم حکمش این است که ما با یکدیگر با صفا باشیم. انبیا، اولیا و کتابهای آسمانی که این همه حرف زده‌اند، فقط

برای ایجاد این مهر و صفا و محبت است. پس این نکته همیشه در نظر تان باشد که ما تا وقتی بین خودمان دشمنی است، زندگیمان بهشتی نخواهد بود، (استادشهریار).

نظام آموزش و تربیت

ساختار نظام آموزش کشور منهای حوزه‌های علمی که متأسفانه آنجا نیز وقتی که قرار شد متناسب با زمان و نیازهای پیش‌رو، سازماندهی شود به سمت ناکجا آباد حرکت کرد- که امید است متولیان امر به موقع متوجه شده و از خسارتهای بزرگ آن پیش‌گیری نمایند- نه با فرهنگ تاریخی ملت ما تناسب لازم دارد و نه با آموزه‌های دینی همخوانی می‌کند.

البته پس از انقلاب اسلامی تلاشهای فراوان و متعددی صورت گرفته است که به سمت چاره اندیشی حرکت شود، اما متأسفانه نتیجه‌ای از آن حاصل نشده است.

بسیج از آنجا که در نظام آموزش و تربیت کشور، با بستری قانونی حضور دارد، می‌تواند با هدف عمق‌بخشی و آینده‌نگری کلان، هم در تهیه متون مورد نیاز و هم در انتقال آن به دانش‌آموزان، دانشجویان و طلاب برنامه‌ریزی فکری فرهنگی کند.

نظام متمرکز و پر از سکون و حفظ محور آموزش و تربیت، کشور را به یک نظام غیر متمرکز و دارای تحرک تربیتی و فهم و درک محور بدل سازد.

با این نگاه که بخش قابل توجهی از برنامه‌های آموزش و تربیتی را همراه با تهیه متون با کیفیت و غنی بر عهده بگیرد و با بهره‌گیری از اماکن، تجهیزات و فرصتهایی که در گستره سازمانی آن وجود دارد، تمرکز و استقرار در یک مکان در طول هفته- کلاس درس مدرسه- و شیوه‌های خشک حفظ‌محور، مفاهیم بی‌روح را در بستر نرم متحرک و لطافت دوستانه توأم با فهم و ادراک معانی، اجرا نماید.

ویژگیهای ۱- تحرک (اردو) ۲- گفت و گو (مباحثه) ۳- فضای باز و عینی موضوعات به همراه برنامه‌های تصویری و نمایشی که اساساً بحث آموزش و تربیت فکری فرهنگی را دنبال می‌کنند، می‌تواند ظرف یک دوره میان مدت تحول جدی و اساسی را در کشور ایجاد کند.

از این منظر بسیج باید با تدوین متن درسی جهاد اسلامی که تبیین کننده دفاع در مکتب اسلام است، به فکر و فرهنگ سازی پردازد، فکر و فرهنگی که اینگونه دقیق زوایای عالم را می‌بیند: کسی را به مبارزه دعوت مکن و اگر تو را به مبارزه بطلبند اجابت کن، چرا که دعوت کننده به مبارزه یاغی است و یاغی و ستمکار در هر حال مغلوب است (امامی، محمدجعفر؛ و دیگران، ص ۲۹۲-۲۹۳) فرمایش حضرت علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع).

فرهنگ جهاد در اسلام مبدأ و سرآغازش اذان و اقامه‌ای است که هنگام تولد در گوش نوزاد، سرداده می‌شود و پایانش تلقینی است که در لهد هنگام دفن القا می‌کنند.

انسان پرورش یافته با این نگرش، عمر گرانمایه خود را در راه انجام تکلیف صرف می‌کند، و به یقین می‌داند که روزی از آن خداست، پس باید به انجام آنچه وظیفه است پرداخت، نه خود را اسیر چیزی کرد که مقدر و دارای مسئول است، با این بینش دیگر هر کس به آن کار و شغلی خواهد پرداخت، که توان فکری و جسمی آن را دارد، و احساس تکلیف می‌کند و اینگونه حرکت به سمت عدالت سرعت خواهد گرفت.

با این نگاه دیگر بسیج نباید متولی آموزش «آمادگی دفاعی» که اسلحه و بعد نظامی در آن پررنگ است، باشد و باید به اهلش سپرده شود، بلکه بسیج متولی

فرهنگ دفاعی، فرهنگ جهادی و فرهنگ «دفاع همه جات» بسیج، می‌شود که کارآمد در همه عرصه‌هاست، و جامعیت بسیج تحت‌الشعاع بعد نظامی که یکی از کارکردهای کوچک آن در مواقع لزوم است، نمی‌شود.

نظام آموزش ما به جهت فربهی و بی تحرکی، که مانع از جلالی آن شده است، همچنان به حفظ کردن تکیه دارد، که فاقد توانایی لازم برای درک و فهمهای رسوب شونده در رشد شخصیت است.

پس جوانانی که از مجرای طولانی مدرسه و دانشگاه عبور کرده‌اند، فراوانند اما در بر آوردن نیازهای ابتدایی فکری، فرهنگی، اخلاقی و اعتقادی خویش ناتوانند.

این بخش از نقشه فکری فرهنگی بسیج می‌تواند به مثابه ریشه عمل کند، به گونه‌ای که فرزندان این سرزمین را به منابع قوی فکری، فرهنگی، اعتقادی و علمی پیوند زده و امکان بهره برداری از آن را برایشان ممکن سازد.

بدین معنی که به راههای صحیح فکر کردن و برگرفتن مسائل و مبانی فکری، آنها را از لحاظ اندیشه و علم تجهیز نماید.

این اقدام به معنی «دل‌افزاری» کردن آموزش و تربیت است. آموزش و تربیت در کشور ما امروز کتاب و حافظه افزار است، فاصله کتاب پس از مدرسه و دانشگاه با قلب زیاد و دسترسی دل و مسیر اتصال آن به حافظه نیز غبار آلود و سنگلاخی می‌شود.

اما تغییر بخشی مهم از این مواد، و جهت‌دهی آسان به سمت دل‌افزار، رویکرد جدیدی را شکل می‌دهد که در رفتار اجتماعی آینده نزدیک می‌توان مشاهده کرد. فراموش نکنیم که بسیج مسئول پاسداری و حفظ ارزشهای به دست آمده در انقلاب است و جوانان فعلی و نسلهای آینده این مرزوبوم، از بالاترین ارزشهای

بی‌همتایی‌اند که باید برای حفظ و حراست از آنها هزینه‌های سنگین مادی نیز پذیرفت.

آینده انقلاب و جهان در دست جوان و نوجوانان است و باید برای تجهیز فکری، فرهنگی و علمی آنها همراه با تربیت صحیح اسلامی ایرانی، اقدام کرد. آن هم با طرحی که دارای نقشه و مهندسی لازم است. حضرت امام می‌فرمایند: «جوانها را با اعتماد به نفس، با استقلال نفسانی بار بیاورید. معلم‌ها، جوانها را مستقل، آزاد بار بیاورید؛ معتمد به نفسشان کنید» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

اعتماد به نفس در سایه درک و فهم صحیح خود و جهان هستی و خالق شکل می‌گیرد، درست همان چیزی که ما امروز در نظام آموزشی کشور به شدت در آن ضعیف و نارسا عمل می‌کنیم.

نظام معنویت

معنویت دارای چشمه‌هایی است که از طریقی به معدن و مخزن اصلی و بزرگ آن اتصال دارد.

مسجدها، حسینیه‌ها، تکایا، هیئتها و کانونهای دیگری که محل جوشش روح معنویت است، از این چشمه‌ها به شمار می‌روند.

اما سرچشمه اصلی آن حوزه‌های علمیه، علمای ربانی و صاحب نفعان روحانی و مراجع دینی‌اند که با پذیرش رنج و سختی طاعت‌های الهی موفق به دریافت فیض از ساحت قدس حضرت صاحب الزمان (عج) می‌شوند.

«اگر افاضل و دانشمندانی که با فضیلت هستند، با فضیلت انسانی هستند، اینها سر رشته‌دار یک کشور بشوند، فضیلت در آن کشور زیاد می‌شود... این علما اگر

نباشند، اسلام از بین می‌رود. اینها کارشناسهای اسلام هستند و حفظ کردند اسلام را تاکنون و باید این‌ها باشند تا اسلام محفوظ بماند، (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱، ص ۴).
در این بخش از جغرافیای فکری فرهنگی؛ بسیج از جهتی باید «معنویت‌نوش» آن فضا باشد، نیازهای روحی و معنوی خود را و مجموعه بسیجیان را از آنجا تأمین کند.

و از جهتی باید با طرح نیازهای جامعه و جوانان، موجب شکل‌گیری کانونهای فکری برای پاسخگویی به آنها شود.

در مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و دیگر کانونهای مذهبی، بسیج باید با نقشه فکری فرهنگی خود به مهندسی حرکت بپردازد. حرکت در امتداد مسیر؛ نه اینکه با آزمون و خطا رفتنها، وقت، حوصله، توان و انرژی عناصر دخیل شکل‌دهنده و سامان‌بخش و مشارکت‌کنندگان را تلف کند.

نقش و حضور بسیج باید به عنوان یک شاخص، جهت حرکت با سرعت حساب شده به سمت جلو باشد و این را می‌توان در طراحی آموزش عناصر فرهنگی فعال در عرصه بسیج به وجود آورد.

عناصر فرهنگی و فکری بسیج نه به عنوان عوامل سازمانی، بلکه به عنوان عناصر انسانی فکور، بصیر، آگاه، نخبه و دارای وجاهت و صلاحیتهای اجتماعی که خودبخود، محور کانونهای مذهبی می‌شوند باید نقش خود را به خوبی ایفا کنند.

از لوازم اصلی این موفقیت داشتن معرفت، بصیرت، تعامل، سعه صدر، روی‌گشاده، فکرهای از پیش انجام شده برای موضوع و مسائل مختلف، داشتن توان و قدرت مشورت، دادن فرصت ابراز وجود به علاقه‌مندان، گذشت، صبر، حوصله، بردباری، همراهی، اطلاعات زمینه‌ای، فهم و درایت‌های علمی به‌روز، ارتباط با مبادی

فکری و اطلاع‌رسانی، مطالعه، پیگیری رخدادها و تغییر و تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی، داشتن شناخت اعتقادی نسبت به حوادث تاریخی، مرگ و قیامت باوری، محل گذر دانستن دنیا، شناخت و تأثیرات آن و...

اگر چه کانونهای مذهبی به ظاهر در دسترس‌ترین فضاها و همراه‌ترین مراکز بسیج هستند، اما از حساس‌ترین و لغزنده‌ترین نیز می‌باشند. هم نقش‌پذیری عناصر انسانی مشارکت‌کننده دارای قدر و قرب بالایی است و این موضوع والا و ارجمند است و هم محل تلاقی عناصر مؤثری چون روحانی (در جایگاه امامت نماز مسجد، سخنران محفل و...)، مداح، قاری، هیئتهای امناء، معتمدان، خیران، خادمان و... می‌باشد، وقوف به موضوع مهمی چون تعامل و شناخت از چگونگی عملیاتی کردن آن، می‌تواند به شدت تأثیر مثبت و تعالی بخش داشته باشد.

ضمن اینکه همین مسجدها، حسینیه‌ها، تکایا و کانونهای مذهبی خود به عنوان یک سیستم اجتماعی نسبت با دیگر سیستمها نیز نقش‌پذیری و تأثیرگذاری دارند. یعنی در فرایند کلی تأثیر سیستمهای اجتماعی، این مکانها نقشهایی بر جسته و مهم بر عهده دارند، چرا که «نهادها الگوی رفتاری اجتماعی شایسته را در موقعیتهای گوناگون، در اختیار فرد می‌گذارند. نهادها از طریق فراگرد اجتماعی شدن شیوه‌های رفتار شایسته و ناشایسته را به افراد نشان می‌دهند ... نهادها در جهت تنظیم و نظارت بر رفتار اجتماعی عمل می‌کنند» (کوئن، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲-۱۱۳).

حضور افراد در اماکن مذهبی و کانونهای مرتبط، اصولاً بر مبنای محبت، عشق و علاقه به خدا و پیامبر (ص) است.

این امتیاز بزرگ، برجسته و کارسازی است که یک عنصر فکری فرهنگی می‌تواند از آن بالاترین نفع به سود خود افراد و به طور کلی جامعه از آن استخراج کند.

چون در وجود هر انسان دو نیروی بسیار بزرگ وجود دارد که در تمام مدت زندگی این دو نیرو با پافشاری و کشش، خود را بروز می‌دهند. نیروی اول عشق و محبت و نیروی دوم تنفر و دشمنی می‌باشد. آثار اولی یعنی نیروی عشق و مهر در افکار و کردار، اثر بسیار نیکویی می‌بخشد و به همان نحو که در نیروهای مغزی گفته شد، هر حالتی سبب ترشحات و بعد موجهای عصبی آن حالت می‌شود و فرستنده موجهای عصبی، دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب توفیق انسان می‌شود. به عکس نیروی دوم یعنی تنفر و دشمنی به همان دلیل موجب عقب ماندگی و عدم رشد شخصیت می‌شود. قدرت منهدم‌کننده حالت تنفر برای شخص، بدبخشی می‌آفریند و در جهت عکس نیروی عشق که سبب سازندگی و ایجاد زیبایی و امید می‌باشد، عمل می‌کند.

مرکز فعالیتهای مذهبی، محور فکر و فرهنگ دوستی اجتماعی و مراودنهای دوستانه توأم با عشق و علاقه انسانی است، از این ساز و کار نرم اعتقادی و فکری باید در جهت تحقق اهداف والای انسانی انقلاب که همان کرامت، عزت، استقلال و آزادگی است بهره جست، محور و اساس رفتار اجتماعی را عشق و علاقه، مهر و محبت، و دیگر خواهی قرار داد و این را باید از چشمه‌های خروشان مساجد، حسینیه‌ها، تکابا و کانونهای مذهبی آن هم با برنامه‌های فکری و فرهنگی خواست.

رسانه‌های جمعی

«در جهان به هم پیوسته و متحول، رسانه‌ها بیشتر از همه سازمانهای دیگر به شناخت علمی سامان‌مند افکار عمومی نیازمندند و دولتها بیش از هر زمان دیگر، برای پاسخگویی به افکار عمومی، خود را نیازمند همراهی رسانه‌ها می‌بینند به عبارت دیگر، در جهان امروز، عرصه نبرد از زمین و فضا و دریا، به ضمیر توده‌های مردم تغییر مکان داده است، زیرا دانشمندان علوم ارتباطی و سیاسی دریافته‌اند که در دنیای بشری، ذهنیتها، عینیتها را می‌آفرینند و به آنها شکل می‌دهند» (زورق، ۱۳۸۶، ص ۴).

از نقل قول استادانه یاد شده چنین استنباط می‌شود که بشر امروز، بر خلاف گذشته که خود با واقعیتها و حقایق مواجه می‌شد و تصویر ذهنی او ارتباطی مستقیم با حقایق و واقعیتها داشت، ذهنیت بشر امروز از طریق رسانه با بیشتر واقعیتها و حقایق ارتباط برقرار می‌کند و در ذهن او تصویری رسانه‌ای یا ذهنیتی رسانه‌ای شکل می‌گیرد که نسبت با واقعیتها و حقایق بسیار متفاوت است.

درک و فهم مشاهده مستقیم با مشاهده غیر مستقیم هر چند، گزارش دهنده و رسانه تلاش کنند که از زوایای مختلف آن را ارائه دهند و اصل بی‌طرفی نیز رعایت کنند، باز تفاوت اساسی دارد. بشر امروز خواه ناخواه بخش مهمی از دریافتهایش از طریق رسانه‌ها است.

رسانه‌هایی که در پی منافع و مطامع سرمایه‌گذاران خود هستند و به دنبال تسلط بر فکر و اندیشه مخاطبان تا هم مصرف آنها را در جهت منافع خود سوق دهند و هم تصمیمهای اجتماعی و سیاسی آنان را با اهداف خود هم‌سو سازند.

در این میان اگر چه نظامهای ارتباطی بین‌المللی متعددی شکل گرفته که جهان را به سمت یک پارچه‌سازی فکری، فرهنگی، اقتصادی، پوشش، گویش، رفتار و... سمت‌وسو بخشد و تا حدودی نیز به برخی از اهداف رسیده‌اند، اما از آنجا که ذات و نفس یکتواختی با روح و روان انسان ناسازگار است و فن‌آوری نوین چند سویه ارتباطی در فضای مجازی (اینترنت) نیز امکان - هر چند قلیل و اندک - ابراز وجود به جوامع و فرهنگهای منطقه‌ای و بومی داده است، روند حرکت سلطه‌گران کند و به سمت معکوس شدن، یعنی کاهش میزان سلطه در جریان می‌باشد که در ادبیات جامعه‌شناسی ارتباطات به آن شکست رسانه‌ای یا شکاف رسانه‌ای می‌گویند.

به عبارت دیگر فرصت و مجال بهره‌مندی از فرهنگهای بومی و قومی در رسانه، به مراتب نسبت با پنج سال قبل تفاوت جدی کرده است و این به معنی رویکرد بشر به داشته‌های تاریخی و ارج نهادن به دست آوردهای نسلی، ملی و قومی خویش است.

این مهم ما را بر آن می‌دارد که در حوزه رسانه و بهره‌مندی از آن در معادلات فکری و فرهنگی بر مبنای تکیه بر فرهنگ اسلامی ایرانی که دارای تنوع قومی مختلف است، طرحهای نوینی به اجرا در آوریم که ضمن پاسخ دادن به نیازهای ملی، به بخشی از نیازهای منطقه‌ای و جهانی نیز پاسخ گوید.

جغرافیای رسانه در نقشه فکری، فرهنگی بسیج می‌تواند معطوف به میراث اعتقادی، ملی و قومی، جهتهای متعددی به سمت دیگر نهادها و نظامها داشته باشد و از این منظر به حوایج آن نظام و نهادها پاسخگویی کند. غلطیدن در واقعتهای موجود بخشی از جامعه شهری در کلان شهرهایی که گوشه‌هایی از آنها کپی رنگ و رو رفته‌ای از جوامع غربی است، جز فرو نشستن در باتلاق شرک مدرن نیست.

بسیج باید در نقشه فکری فرهنگی خود کمک کند تا این بخش از جغرافیای هدفش که رسانه است، به خودیابی ملی و قومی پردازد.

فرهنگ، زبان، تاریخ، تمدن و دیگر میراثها گذشته ایرانیان که همواره با روح و اعتقاد به وحدانیت خداوند همراه است، توانایی بالایی در تأمین نیازهای امروز بشر دارد، اما باید در لابلای فرهنگ و آیینهای ملی مذهبی و قومی مناطق مختلف جستجو، احیا و ارائه کرد. ذهنیت‌سازی رسانه‌ای فکری بسیج، از طریق رسانه، می‌تواند بر بستر داشته‌های تاریخی و دست‌آوردهای مهم ملی و قومی استوار شود، تا هم زبان و ادبیات فارسی پاس داشته شود و هم در مقابل ناتوی فرهنگی دشمن صف‌آرایی محکمی شکل گیرد.

آیین و آموزه‌های قومی در جغرافیای ارضی کشور ایران اسلامی، دارای تنوع مطلوب و مفیدی است، و این آیین و آموزه‌ها برای انتقال مفاهیم بلند انسانی کارسازی اثبات شده علمی دارند.

نوجوانان و جوانان بدون کسالت و خستگی و تمام افراد بدون رخوت و بی‌حوصلگی نسبت به آنها واکنش مثبت نشان می‌دهند.

تبیین مفاهیم بلند ارزشی اگر به عنوان پیام پنهان متنهای رسانه‌ای مورد توجه واقع شود و از آنها توقع تبلیغات به شکل مصطلح و مبتذل وجود نداشته باشد، تأثیر آن از طریق ناخودآگاه صورت می‌پذیرد و به آسانی می‌تواند تبدیل به رفتار اجتماعی شود.

چون وجه غالب فرهنگ غرب بر قدرت طبع انسان با همان ساحت حیوانی او استوار است که بیشتر لذت بردن، بهتر خوردن و به طور کلی مصرف توأم با لذت هر چه بیشتر، از طریق حس ظاهری و مادی است و این موضوع در زندگی شهری به

ویژه کلان شهرها و جبهه علنی نیز به خود گرفته است، کار فطری و ارزشی کردن چندان هم آسان نیست و در علن و اظهار نمی‌توان بدان پرداخت و نفس متن رسانه‌ای نیز اقتضا دارد که در چند لایه پیام داشته باشد و بیشترین تأثیر بر مخاطب، از طریق پیام پنهان می‌باشد، پس اگر متنهای رسانه‌ای در مهندسی فکری فرهنگی بسیج بر آمده از فرهنگ و آیینهای ملی و قومی باشد و پیامهای آموزشی ارزشی آن به عنوان لایه پنهان ارائه شود، برای تبدیل به رفتار اجتماعی از طریق دریافتهای ناخودآگاه موفق و مقرون به توفیق خواهد بود.

برای تحقق این مهم لوازم اصلی، جدی گرفتن موضوع، ارج و ارزش دادن به عناصر فعال در این عرصه، فراهم سازی شرایط حضور در فضاها و عرصه‌های آن برای بسیج و بسیجیان، توجه به تحقیق، پژوهش، مطالعه و ارائه سبکهای مختلف با هدف رقابت برای توفیق بیشتر، تولید متنهای مختلف در قالبهای متعدد رسانه‌ای و اصل مهم توزیع است. تولید اگر چه مهم و دارای ارج و ارزش بالاست، اما اگر نظام توزیع مناسب وجود نداشته باشد، تولید خوب و ارزشمند چگونه به مخاطب تشنه و نیازمند خواهد رسید. پس توزیع هم سنگ تولید جایگاه دارد و باید بدان توجه لازم صورت گیرد.

با توجه به ارزش و اهمیت این موضوع، نیاز به سازمان انتشارات بین‌المللی، مجله‌های ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی، سامانه‌های پر قدرت و قوی حافظه، در فضای مجازی (سایت اینترنتی که به رده‌ها و بسیجیان امکان ابراز وجود بدهد) و سینما و برنامه‌های رادیو و تلویزیونی عمیق، پرجاذبه، دارای موضوعات ارزشمند، از همه بالای نظام توزیع مستقل و منحصر به فرد و... از ضرورت‌های غیر قابل انکار، در حیات اجتماعی آینده بسیج است.

نظام سازمان و سیستمهای اجتماعی

در جامعه نهادها و سیستمهایی وجود دارند که منهای دولتی یا غیر دولتی بودنشان کارکرد اجتماعی دارند و در فرهنگ و رفتار عمومی جامعه مؤثرند.

علت اهمیت و اثرگذاری آنها این است که «... هر نهادی هدف اصلیش برآوردن نیازهای اجتماعی خاصی است... ارزشهای غایی اعضایشان را متبلور می‌سازند... به نسبت پایداری، چندان که الگوهای رفتاری جا افتاده در نهادها، به صورت بخشی از سنت فرهنگی یک جامعه درمی‌آیند. مبانی اجتماعی نهادها چندان گسترده‌اند که فعالیت‌هایشان پهنه وسیعی از جامعه را می‌پوشانند؛ هر تغییر چشم‌گیری در یک نهاد احتمالاً دگرگونی‌هایی در نهادهای دیگر به بار می‌آورد. گرچه همه نهادهای یک جامعه به هم وابسته‌اند، پس هر نهادی بر محور یک رشته هنجارها، ارزشها و الگوهای رفتاری مورد انتظار، به شدت ساختارمند و سازمان یافته است. آرمانهای یک نهاد معمولاً پذیرفته اکثریت عظیمی از اعضای جامعه است، با وجود اینکه آنها در این نهادها عملاً مشارکت داشته باشند و چه نداشته باشند و کارکردهای گسترده‌ای که در میان همه نهادها یافت شده‌اند، عبارتند از: نهادها الگوی رفتاری اجتماعی شایسته را در موقعیتهای گوناگون، در اختیار فرد می‌گذارند. نهادها از طریق فراگرد اجتماعی شدن، شیوه‌های رفتار شایسته و ناشایسته را به افراد نشان می‌دهند» (کونن، ص ۱۱۰-۱۱۲).

پیچیدگی و درهم تنیدگی سیستمهای اجتماعی در شرایط امروز، حساسیتهای خاصی ایجاد می‌کند، حساسیتهایی که بدون در نظر داشتن آنها به گونه‌ای می‌توان گفت که زندگی گنگ و دچار درهم کلافگی می‌شود.

در این شرایط، تسهیل ارتباطات اجتماعی بر مبنای فکر و فرهنگی بومی از بهترین راهکارهای ارزشمندی است که می‌تواند انسان به نفس نفس زدن افتاده راه آرام و پیش رویش را روشن نماید.

دو نویسنده و صاحب نظر در رشته مدیریت به نامهای «میشل مایرزه» و «گیل مایرزه» در کتاب خود به نام مدیریت به وسیله ارتباطات، برای نشان دادن پیچیدگی و درهم تنیدگی زندگی انسان امروز و سازمانهای اجتماعی می‌گویند: قلم را بردارید و نام سازمانهایی را که عضو آنها هستید بنویسید: نظیر خانواده‌ای که در آن عضو هستید، مدرسه یا دانشکده‌ای که در آن درس می‌خوانید، شهری که در آن زندگی می‌کنید، باشگاهی که در آن ورزش می‌کنید، انجمن مذهبی که در آن عضویت دارید و بی‌تردید، ارتباطات در چنین جهان پیچیده‌ای که در آن سازمانها، انسانها را در خود گرفته‌اند، حرف اول را می‌زنند.

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، به عبارت دیگر، چه بپذیریم و چه انکار کنیم، جهان امروز به صورت یک سازمان بزرگ درآمده که در آن، هر دولتی متناسب و مرتبط با ظرفیتهای اقتصادی، نظامی، فرهنگی و سیاسی ملت خود و شرایط ژئوپلیتیک و تحولات محیط منطقه‌ای و جهانی خویش و در تعامل با سایر دولتها نقشی بر عهده دارد (زورق، ص ۱).

اصلی که امروزه در حال حکم‌فرمایی بر سازمانها است اصل فرایندنگری است، در فرایندنگری، نیروی انسانی، دیگر یک عامل در چرخه فعالیتهای سازمان نیست، بلکه یک عنصر است که علاوه بر ایفای نقش در جایگاه خاص خود، در نظام سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و از همه مهم‌تر در مدیریت نقش خواهد داشت.

در این جغرافیا بسیج می‌تواند با مد نظر قرار دادن دو موضوع مورد نیاز کارکنان سیستمها و سازمانها مباحث فکری و فرهنگی را تزریق کند و این دو موضوع عبارتند از:

الف) انتقال «اطلاعات پرورده» به کارکنان برای رشد شخصیتی، علمی، تخصصی و تعهد محوری که در ارتقای کیفی سازمان مربوط به شدت مؤثر خواهد بود و مسئولان، مدیران، کارفرمایان و سیاست‌گذاران سیستمها و سازمانها نیز از آن استقبال خواهند کرد و در مجموع نیز موجب رشد هماهنگ فکری فرهنگی در جامعه را فراهم خواهد ساخت.

ب) ایجاد زمینه لازم برای فراهم شدن شرایط شغل غنی شده کارکنان سیستمها و سازمانهای متعدد اجتماعی

شغل غنی شده یعنی دیگر یک کارگر، کارمند، متخصص، متصدی و ... یک عامل اجرایی نباشد که اگر سازمان و دستگاه به او نیازی پیدا کرد نتواند پاسخگو باشد؛ بلکه در حوزه فعالیت سیستم و سازمان خود، دارای توانایی‌های لازم باشد که هم در بخش نرم افزاری و هم در بخش نیمه سخت و هم در بخش سخت بتواند نقش خود را به خوبی ایفا کند

تحقق این اهداف توجه به زیر ساختهای اجتماعی را می‌طلبد، زیرساختهایی که ریشه در باورهای دینی و ملی دارند، هم بتوانند به هویت دینی بیانجامند و هم به هویت ملی به عبارت ساده اینکه، آن انسان خود را نسبت به دین، تاریخ و فرهنگ ملی خود باروتر بیند تا امکان خود باختگی و خود کم بینی و تحقیر پذیری در او به وجود نیاید، بلکه خود اتکایی، اعتماد به نفس، عزت و افتخار ملی و دینی در او فراهم و بارور می‌شود.

واکاوی دقیق و علمی متون دینی، تاریخی و فرهنگی با زبان و ادبیات اجتماعی قابل درک و فهم برای عموم، آن هم در چرخه‌ای از مدار ارتباطی پر قدرت درونی، که با مخاطب قرار دادن فطرت و عقل انسان، آنها را درگیر خود سازد می‌تواند سیستمها و سازمانها و در مجموع جامعه ما را به طور کلی از تأثیرپذیری از نظام سلطه نجات دهد.

از این زاویه نگاهی اجمالی به عناصر جامعه از منظر قرآن کمک شایانی به بحث خواهد کرد.

«از آیه شریفه مورد بحث سه عنصر را در ارتباط با جامعه می‌توان به دست آورد:
اول: انسان

دوم: زمین یا به طور کلی طبیعت: «انی جاعل فی الارض خلیفه» [من در زمین جانشینی خواهم گمارد]

پس تا اینجا زمین یا طبیعتی مطرح است و انسانی که خداوند تبارک و تعالی او را در زمین قرار می‌دهد.

سوم: رابطه معنوی که انسان را به زمین یا طبیعت از یک سو و انسان را به برادرش - انسان دیگر - از سوی دیگر پیوند می‌دهد. این رابطه و پیوند معنوی را خداوند در قرآن جانشینی می‌نامد.

تکرار می‌کنم: عناصر جامعه عبارتند از: انسان، طبیعت و رابطه معنوی بین انسان با طبیعت و انسان با انسان که نامش جانشینی است (شهبه صدر، ۱۳۶۹، ص ۱۶۷-۱۶۸).

امروزه در نظام ارتباطی مسلط بر جهان، ارتباط بین انسان با انسان، انسان با طبیعت، انسان با خداوند و طبیعت و انسان، به ویژه «انسان با انسان» پس از حاکمیت

دیدگاه «هابز» در غرب - انسان گرگ انسان - مخدوش، زشت، زننده و کریه شده است.

«سیستم ارتباطات بین‌المللی، گذشته از تولید و توزیع جهانی اطلاعات، توانسته است از سیستمهای ارتباطی ملی، منطقه‌ای و قاره‌ای، برای انطباق خود با تحولات محیطی استفاده کند یا گاه، خود مستقیماً، اقدام به ارائه چنین خدماتی به جهان سوم نموده و یک پاره سیستم بین‌المللی را به عنوان یک سیستم ملی بازآفرینی نموده است.

اطلاعات پرورده که به صورت انبوه، تهیه، و در یک سیستم متکثر ارتباطی، در سراسر جهان توزیع می‌شود، می‌تواند از دو نظر، فرآیند تصمیم‌گیریهای ملی را تحت تأثیر خود قرار دهد: نخست از نظر تأثیر مستقیم بر مراکز تصمیم‌گیری است. در این عرصه اطلاعاتی که از طریق سیستم ارتباطات بین‌المللی تولید و توزیع می‌شود، یکی از مهم‌ترین ورودیهای سیستمهای تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین مسأله برای جهان سوم، این نیست که سیستم ارتباطات بین‌المللی چه منتشر می‌کند، بلکه مهم‌ترین مسأله این است که چه منتشر نمی‌کند. راجروالیس واستنلی باران، در این زمینه سؤال دقیقی را مطرح می‌کنند: «ما چه می‌دانیم و چه باید بدانیم؟»

و ادامه می‌دهند که: «این همه، ما را به کدامین سوی هدایت می‌نمایند؟»

متأسفانه، از اغلب این سؤالا، در جهان سوم غفلت می‌شود، به ویژه هنگامی که به برکت فن‌آوری، تعداد کانالهای تلویزیونی افزایش می‌یابد، اشنها برای بلعیدن برنامه‌های آماده نیز افزایش می‌یابد و این کانالها حلقوم بازی می‌شوند برای بلع هر چه در پیش روی خود بیابند بدون آنکه از خود بپرسند که «چه بود؟ و چرا؟»

ضرورت دقت در ورودی سیستمها، با میزان حساسیت آنها، رابطه مستقیم دارد. ورودی سیستمها تعیین کننده بخش قابل توجهی از سرنوشت خروجی آنهاست. دومین عرصه، تأثیر غیرمستقیم اطلاعات است، بدین معنی که اطلاعات، محیط سیستمهای تصمیم‌گیری را تغییر می‌دهد و آنها را ناگزیر به تطابق با این تحولات می‌کند (زورق، ص ۱۶-۱۷).

بسیج اگر با توجه به استعداد رسانه‌ای ذاتی خود و بهره‌گیری از نظام ارتباطات موجود بتواند با جمع‌آوری و پرورش اطلاعات، ضمن انتقال مطلوب (توزیع مناسب) به مخاطبان خود، به ویژه در حوزه‌های سیستمهای مؤثر اجتماعی که «همراه با نگاه توحیدی به حیات اجتماعی» است، می‌تواند به عنوان یک محرک اساسی فکری، فرهنگی، اعتقادی و تخصصی عمل کند.

دست‌آوردهای مختلف که در ابعاد گوناگون مورد توجه واقع می‌شوند موجب تقویت نیروی انسانی در دو بعد اعتقاد و حرفه خواهد شد، دو اصلی که همواره در ارتقای کیفی سیستمها نقش اساسی خواهند داشت.

ارتباط معنادار با خالق هستی، هستی و هموعان به ویژه هم‌کیشان و همکاران و همراهان، روح و روان جامعه را دگرگون می‌کند، دگرگونی که موجب تسلای عمومی را فراهم خواهد ساخت.

روابط عام اجتماعی

مردم برای امرار معاش و طراوت بخشیدن به زندگی، کار و تلاش روزانه و رفع نیازهای مختلف خود نیازمند تردد در جامعه هستند، رفت‌وآمد در محیطهای عمومی و مراوده با مجموعه‌های مختلفی که مسئولیت پاسخگویی به نیازهای عموم

را دارند از کارهای روزمره به حساب می‌آید و در روح و روان، شخصیت، فکر و زندگی آحاد جامعه تأثیر گذار است.

رفت و آمد در محیط جامعه نیازمند آداب و ادب است، موارد یاد شده اگرچه مردم همواره در تربیت خانوادگی خود کسب خواهند کرد، اما اگر محیط جامعه مخل آن و در تعارض با آن باشد، سرکوب شده یا تغییر جهت خواهد داد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «شرافتی سودمندتر از ادب نیست» (ری شهری، ۱۳۸۵، ص ۱۵).

تولیدکنندگان، فروشندگان، واردکنندگان، دارندگان کالاهای مختلف، صاحبان مشاغل خدماتی و ... همه و همه با تلاشهای متعدد، سعی در رساندن پیام خود به مخاطبان حاضر در جامعه دارند، پیامهایی که عموماً فاقد صداقت لازم و انطباق با واقعیت موضوع تبلیغ و ... می‌باشند.

شمار این پیامها به شدت بالا و حجم و شکل و رنگ و طراحی گرافیک آنها عموماً مختلف و دارای نوعی ناهنجاری می‌باشد!

حتی برخی که کم تعداد نیز نیستند از لحاظ محتوا و بیان موضوع، دچار نابسامانیهای زبانی و رسم الخط نیز می‌باشند و تعدادی نیز بنا به گذشت زمان و عدم تغییر به موقع، به شدت از لحاظ روحی و روانی آسیب رسانده‌اند.

تبلیغاتی که اصولاً با نظام فکری فرهنگی جامعه ناسازگار بوده و بی‌شک دارای پیامدهای منفی اجتماعی خواهند بود.

از سوی دیگر حجم بالای پیامهای در معرض دید قرار گرفته شده، یا به هر شکل ارائه شده، برای مخاطب مضر بوده و جهنمی از آتش را در ذهن و فکر او ایجاد می‌کند.

اینها همه موجب اختلال روانی و در نتیجه؛ بدرفتاری، بدکرداری و بد اخلاقی اجتماعی می‌شود، در حالی که محیط عمومی اجتماع باید محل بروز رفتارهای مؤدبانه، محترمانه، برادرانه و سالم انسانها باشد، پس جغرافیای عمومی اجتماع، یکی از دیگر نقاط مهم فعالیت فکری فرهنگی بسیج است که باید بتواند شرایط محیط را تعدیل و موجب آرامش اجتماعی و رفتار و کردارهای مطلوب را فراهم سازد.

در طراحی نقشه یا مهندسی فکری فرهنگی بسیج، باید وسایل نقلیه عمومی، اعم از تاکسی، مینی‌بوس، اتوبوس، پایانه‌های مسافربری جاده‌ای، ریلی، هواپیمایی، راه آهن شهری، محله‌های پر تردد عابران پیاده و... دیده شود.

فعالیت فکری فرهنگی در محیط عمومی اجتماع اقتضا می‌کند که علمی و کارشناسی شده از سوی روانشناسان اجتماعی و بدون آرم و اسم و نماد سازمانی و رده‌ای باشد، تا کارکرد بیشتر پیام امکانپذیر شود. از طرفی این پیامها ضمن اینکه از لحاظ سخت افزاری نباید دارای قیمت و قیافه‌هایی آنچنانی باشند که نتیجه معکوس در بر داشته باشد، باید واجد برجستگیهای معنوی، فکری، زیبا شناختی هنری و درخور شرایط زمانی باشد. تأکید پیام بر جنبه‌های معنوی، فکری و فرهنگی باشد تا خود بخود ضمن تعدیل تبلیغات نابهنجار موجبات بینش و بصیرت جمعی نیز فراهم سازد. مبانی دینی و هویت تاریخی و فرهنگی و میراث‌های قومی و ادبی از ذخایری‌اند که می‌توانند بیشترین کاربرد را داشته باشند.

نتیجه

بسیج از آنجا که حافظ انقلاب و دست‌آوردهای آن است، باید در طراحی فکری فرهنگی کلان و جامع، نبض رفتار اجتماعی مردم را در دست اندیشه خود داشته باشد که ویژگی و ثمره آن تعادل، آرامش، مهرورزی، دیگرخواهی، نشاط، انسجام

اجتماعی و وفاق ملی است، این مهم زمانی محقق خواهد شد که در چشم‌انداز فرهنگی بسیج، حوزه‌های مؤثر، مورد توجه علمی قرار گیرند و در جغرافیای آن و در امتداد زمان، بدون وقفه و با مهندسی دارای معماری درون‌زا به جهت دهیهای فکری و فرهنگی غیر مستقیم اقدام شود، کل‌نگری همراه با جزینی جامع که پوشاننده محیط شکل دهنده جامعه باشد، کاری است که می‌توان نام مهندسی بر آن نهاد، کارهای برهه‌ای که توأم با انقطاعهای انحنایی است، توانایی شکل یا جهت‌دهی افکار عمومی را نخواهد داشت.



۱. امام خمینی (ره)، روح اله (۱۳۸۱)، انتشار اجتماعی، تیان دفتر سی و هفتم، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۲. امامی، محمد جعفر؛ آشتیانی، محمدرضا، زیر نظر استاد مکارم شیرازی، ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه، جلد سوم، چاپ اول، قم: انتشارات مطبوعاتی هدف.
۳. بهاری، شهریار (۱۳۶۲)، انسان شناسی خودشناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات بیان.
۴. پوراحمد، احمد (۱۳۸۵)، قلمرو و فلسفه جغرافیا، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. جمعی از مؤلفان (۱۳۸۲)، روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت.
۶. زورق، محمد حسن (۱۳۸۶)، ارتباطات و آگاهی (مفاهیم، مبانی و روش‌ها)، ج اول، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده صدا و سیما.
۷. شهریار، محمدحسین، روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه، دوم اردیبهشت ماه ۱۳۷۷، (هنر و ادبیات)
۸. صدر، سید محمد باقر (۱۳۶۹)، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه حسین منوچهری، چاپ اول، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۹. کوئن، بروس (۱۳۸۰)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دهم، تهران: نشر نوبیا.
۱۰. محمدی‌ری شهری، محمد (۱۳۸۵)، گزیده‌میزان‌الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیبلی، قم: چاپ و نشر دارالحدیث.
۱۱. میرحیدر، دره (مهاجرانی) (۱۳۸۵)، مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت.